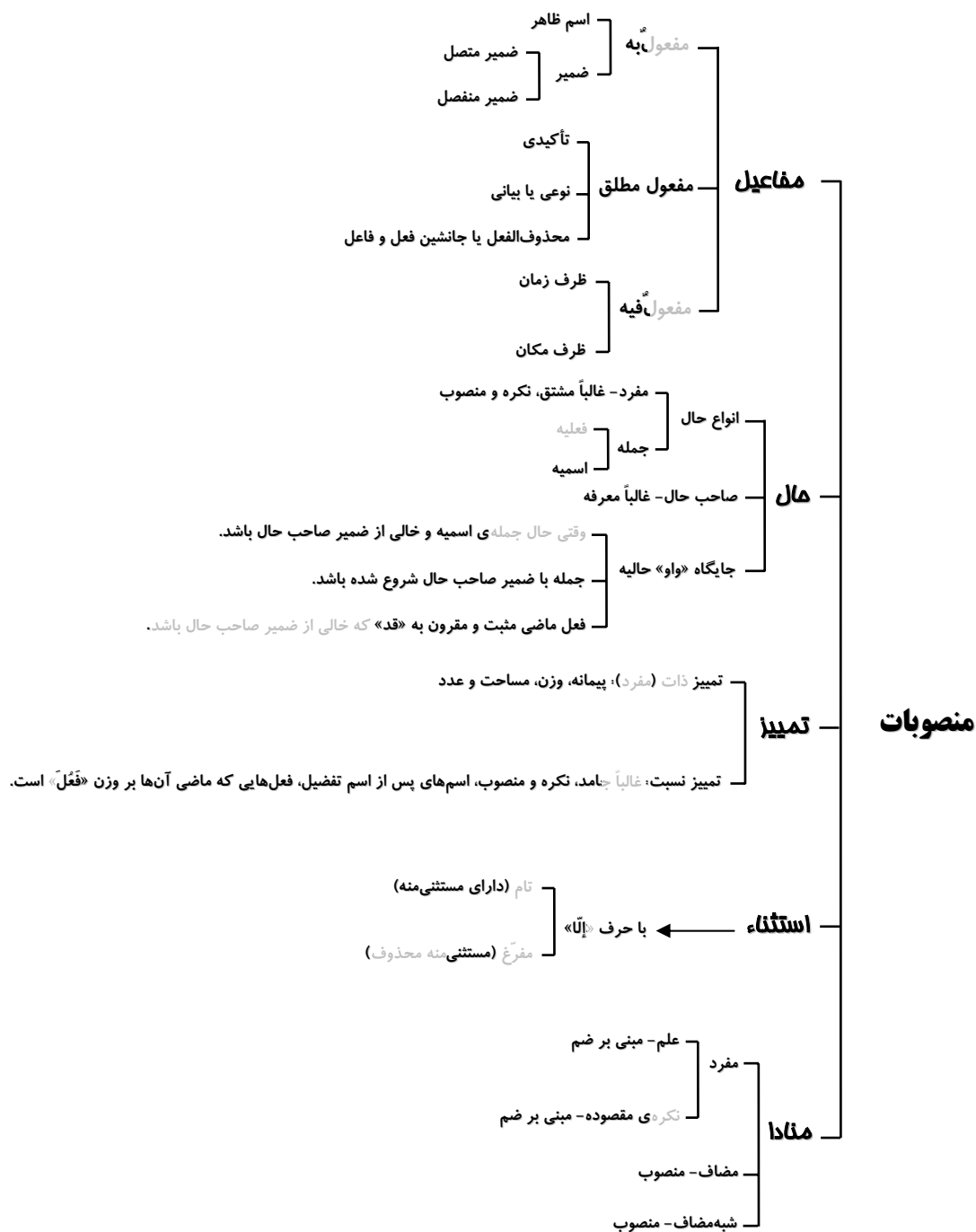


گزیده نکات و تیپ‌های مباحث «منصوبات» عربی عمومی کنکور

تهیه و تنظیم: فاطمه منصور خاکی

در کنکور سراسری هر سال، به‌طور میانگین ۴ سؤال در بخش قواعد از مبحث «منصوبات» مطرح می‌شود که نشان از اهمیت این مبحث دارد، اینک بر آن شدیم تا آن را به‌طور موجز و کاربردی برایتان آموزش دهیم.



- **مفعول به**: اسمی است منصوب که فعل بر آن واقع شده است، یعنی مفعول به فقط در جملاتی که فعل آن‌ها متعدی باشد، می‌آید به بیان دیگر فعل لازم مفعول به ندارد.

نکته مهم: برخی فعل‌ها دارای یک مفعول به هستند که تعدادشان بی‌شمار است، اما برخی فعل‌ها دو مفعول به می‌گیرند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: «عَلِمَ، كَسَا، أَذَاقَ، أَعْطَى، أَهْدَى، وَهَبَ، جَعَلَ، وَقَى، رَزَقَ، أَطْعَمَ، أَلْبَسَ، زَوَّدَ، سَمَى و...»

مثال: أَطْعَمَ الطِّفْلَ القَطَطَ الجَائِعَ طَعَامًا. / سَمَى الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَحْمَدًا. / يَهَبُ اللهُ النَّاسَ النِّعْمَةَ.

(سراسری ریاضی-۸۹)

کهر عین ما فيه مفعول به واحد:

(۱) يجعل الصبي صياحه أسلحة للحصول على مطلوبه!

(۲) إنما أعطى الله الإنسان عقلاً يفكر به!

(۳) قد يعطيكم الله ولداً صالحاً رزقاً لكم!

(۴) جعل الله درجة عباده من أفضل الدرجات!

پاسخ: گزینه‌ی «۴» در این گزینه فعل «جعل» دو مفعولی نیست، ولی در گزینه‌ی «۱» فعل «يجعل» دو مفعولی است (صياح: مفعول أول و أسلحة: مفعول دوم) و در گزینه‌های «۲» و «۳» فعل‌های «أعطى» و «يعطى» دو مفعول دارند.

انواع مفعول به

۱- اسم ظاهر: فَتَحَ المسلمون الأندلسَ. / إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِهِ. / فَهَمَّتْ هَذَا الدَّرْسَ.

۲- ضمير بارز:

الف) متصل نصبي و جری: وَجَدْتُكَ فِي مَكْتَبَةِ الْجَامِعَةِ.

ب) منفصل: إِيَّاكَ نَعْبُدُ.

برخی از انواع تیپ‌های به‌کار رفته در کنکور از مبحث مفعول به:

۱- كيف مفعول به في عبارة «.....»؟

۲- أَىَ فَعْلٍ لَهُ مَفْعُولَانِ؟

۳- عَيَّنِ المَفْعُولَ فِي العبارة التالية:

۴- عَيَّنِ ما فِيهِ مَفْعُولٌ بِهِ واحد:

۵- مَيِّزِ العبارة الَّتِي ما جَاءَ فِيهَا المَفْعُولُ بِهِ:

۶- كم مَفْعُولاً بِهِ فِي العبارة التالية؟

۷- فِي أَىِ عبارة ما جَاءَ المَفْعُولُ بِهِ؟

- **مفعول مطلق:** مصدری است منصوب از جنس فعل جمله که برای تأکید و بیان نوع فعل به کار می‌رود.

❁ انواع مفعول مطلق

۱- تأکیدی: زمانی که مصدر فعل جمله به تنهایی (بدون صفت یا مضاف‌الیه) و برای تأکید معنای فعل و برطرف کردن شک می‌آید.

مثال: أكرمَ عليُّ أحمدًا إكراماً. / نَزَلَ اللهُ القرآنَ تنزيلاً.

۲- نوعی یا بیانی: زمانی که مصدر فعل جمله همراه با صفت یا مضاف‌الیه می‌آید.

مثال: إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا. / نَظَرْنَا إِلَى الْأَشْجَارِ نَظْرَ الْبَاحِثِ.

۳- نیابی یا جانشین فعل محذوف: زمانی که مصدری منصوب در جمله ذکر شده باشد، اما فعل در آن جمله محذوف باشد به بیان دیگر مفعول مطلق نیابی مصدری منصوب است که جایگزین فعل خود شده است. مهم‌ترین مفعول مطلق‌های نیابی عبارت‌اند از: حمداً لله - سبحان الله - معاذ الله - شكراً - عفواً - حقاً - جداً - أيضاً - صبراً - سمعاً - طاعةً - مهلاً - لطفاً - حتماً - قطعاً - رجاءً - اهلاً و سهلاً و ...

مثال: الربيعُ جميلٌ جداً. / صبراً على المشاكل.

(سراسری هنر- ۸۹)

کجه عین المفعول المطلق:

- (۱) إنَّ المسلم شديد الحبِّ والإجلال لأولياء الله حقاً!
(۲) هو شاعر حاذق ينشد أشعاراً كثيرةً حول مسائل مختلفة!
(۳) إنه كان من أقوى الناس شخصيَّةً و فكرةً و أشدهم جرأةً!
(۴) ليكن فكرک في الحياة فکراً لا يُريد أن يضيِّع حقاً من الآخرين!
- پاسخ: گزینه‌ی «۱» «حقاً» مفعول مطلق برای فعل محذوف است.

برخی از انواع تیپ‌های به کار رفته در کنکور از مبحث مفعول مطلق:

۱- اجعل المفعول المطلق المناسب للفراغ:

۲- عین إعراب لكلمة «X» فی الجملة التالية:

۳- عین العبارة التي ما جاء فيها المفعول المطلق:

۴- ما هو نوع المفعول فی العبارة التالية؟

۵- عین العبارة التي جاء فيها المفعول المطلق:

۶- أيّ العبارات فيها المفعول المطلق؟

۷- میز کلمة «X» مفعولاً مطلقاً:

۸- ما هو الصَّحیح للفراغ لإيجاد أسلوب المفعول المطلق:

۹- مَيِّز العبارة التي ما جاء فيها المفعول المطلق النوعي:

۱۰- مَيِّز الخطأ للفراغ لإيجاد أسلوب المفعول المطلق:

۱۱- عَيِّن المفعول المطلق:

۱۲- نقول لرفع الشك عن وقوع الفعل:

۱۳- نقول لمن يسأل عن كيفية ...:

۱۴- املأ الفراغ بما لا يبيِّن كيفية وقوع الفعل:

۱۵- في أي عبارة استعمل المفعول المطلق؟

۱۶- عَيِّن المفعول المطلق للنوع:

۱۷- عَيِّن ما ليس فيه تأكيد للفعل:

۱۸- عَيِّن ما فيه تأكيد على وقوع الفعل:

۱۹- عَيِّن المفعول المطلق تأكدي:

۲۰- عَيِّن المفعول المطلق للبيان:

۲۱- لَمَّا نَشَكُّ فِي تَأْلِيفِ الْمُعَلِّمِ، نَقُولُ: (از کلمه‌ی «نَشَكُّ» متوجه می‌شویم که منظور مفعول مطلق است که برای برطرف کردن

شک از انجام کاری به کار می‌رود.)

- **مفعولُ فيه:** اسمی است منصوب که بر زمان یا مکان وقوع فعل دلالت دارد و دربردارنده‌ی مفهوم حرفِ «فی: در» می‌باشد:

❁ انواع مفعولُ فيه

۱- ظرف زمان: دلالت بر زمان وقوع فعل دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: «ساعة، يوماً، أسبوعاً، شهراً، سنةً، أبداً، حين، ليلاً،

نهاراً، مساءً، عند، يوم ...»

مثال: سافرتُ ليلاً. / دَخَلَ أَحْمَدُ إِلَى الْبَيْتِ مَسَاءً. / أَحَبَّ الْمَطَالَعَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

۲- ظرف مکان: دلالت بر مکان وقوع فعل دارد، از جمله جهات شش گانه (آمام، وراء (خلف)، يسار، يمين، فوق، تحت) و مکان‌های مختلف از جمله: «البيت، المدرسة، البلاد، الصّف، بين، أين، قرب، هنا، هناك و...»

مثال: جلستُ تحت الشجرة. / أينَ صديقي؟ / رأيتُ صديقي هنا.

نکات مهم:

۱- بعضی اسم‌ها علاوه بر نقش ظرف (مفعولُ فيه) نقش‌های دیگری چون (مبتدا، خبر، فاعل، مفعول و...) را نیز می‌پذیرند.

مثال: اليومُ يومُ السَّبْتِ.

(سراسری زبان - ۸۵)

كَمْ عَيْنَ الْجُمْلَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا الْمَفْعُولُ فِيهِ:

- (۲) أين السعادة في الدنيا لنبحث عنها؟!
(۴) إشركتنا في مسابقات علمية بعد الامتحانات.

(۱) ننتظر يوم نجاحك، فهل نراه؟! /

(۳) تُعَلِّمُ الأُمُّ أولادها درس الحياة دائماً.

پاسخ: گزینه‌ی «۱» «يوم» در این عبارت مفعولُ به برای «تَنْتَظِرُ» است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: «أين» مفعولُ فيه است. / گزینه‌ی «۳»: «دائماً» مفعولُ فيه است. / گزینه‌ی «۴»: «بعد» مفعولُ فيه است.

۲- بعضی اسم‌ها نقشی جز مفعولُ فيه را نمی‌پذیرند، مانند: «أينما، بينما، إذا، أتى و...» و یا گاهی برخی از آن‌ها ممکن است با حرف جر مجرور شوند، مانند: «قبل، بعد، فوق، تحت، وراء، خلف، الآن، أين، هنا، هناك، متى و...»

(سراسری تجربی - ۸۷)

كَمْ عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ فِيهِ:

- (۲) إذا جاءت الحسنة تذهب السيئات
(۴) اليوم يوم يرزقنا الله فيه نعماً كثيرة!

(۱) اليوم أكملت لكم دينكم!

(۳) أينما تذهب تجد النصر للحق!

پاسخ: گزینه‌ی «۴» «اليوم» مبتدا و مرفوع و «يوم» خبر و مرفوع است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «اليوم» مفعولُ فيه است. / گزینه‌ی «۲»: «إذا» مفعولُ فيه است. / گزینه‌ی «۳»: «أينما» مفعولُ فيه است.

(سراسری تجربی - ۸۸)

كَمْ عَيْنَ الْمَفْعُولِ فِيهِ مَنْصُوباً:

- (۲) عندما وصل وقت العشاء ذهبنا كلنا حتى نتناول الطعام.
(۴) في صباح اليوم التالي ذهب الطبيب إلى عيادة مريضه.

(۱) من بين أصدقائك أنت أكثر اجتهاداً!

(۳) مضت هذه الأيام أيضاً ووصلنا إلى نهايتها!

پاسخ: گزینه‌ی «۲» در این گزینه کلمه‌ی «عندما: زمانی که» ظرف زمان و مفعولُ فيه است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «كلمه‌ی «بين» به خاطر حرف جرّی که بر سرش آمده از ظرف بودن افتاده است.

گزینه‌ی «۳»: «كلمه‌ی «الأيام» ظرف نیست، بلکه تابع فاعل (هذه) است.

گزینه‌ی «۴»: «كلمه‌ی «صباح» اگر حرف جرّ بر سرش در نیامده بود ظرف می‌بود، ولی حالا مجرور به حرف جرّ است.

۳- برخی از ظروف مانند: «إِذَا، إِذْ، حَيْثُ، مَتَى، أَيْنَ، بَيْنَمَا، أَمْسَ، الْآنَ، لَمَّا، هُنَا و...» مبنی هستند.

۴- برخی از ظروف مانند: «صَبَاحًا، نَهَارًا، لَيْلًا، مَعَ، فَوْقَ، تَحْتَ، أَمَامَ، قَبْلَ، بَعْدَ، وَرَاءَ، سَاعَةً و...» معرب هستند.

۵- ظرف‌های «عندَ، حَيْثُ، قَبْلَ و بعد» با توجه به عبارتی که بعد از آن‌ها می‌آید، می‌توانند ظرف مکان یا زمان باشند.

مثال: الشَّهْدَاءُ يَرْزُقُونَ عِنْدَ اللَّهِ. / جَاءَ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ.

ظرف مکان ظرف زمان

(سراسری ریاضی - ۸۸)

کج عین العبارة التي فيها اسم يدلّ على مكان وقوع الفعل:

(۲) أجلسَتِ الوالدةُ بنتها الصغيرةَ عندها حتّى تحكى لها حكاية!

(۱) تجعل الطيور السماءَ رائعةً عند طيرانها في الغروب!

(۴) قلت لأُمّي: متى تستطيع أن نشاهد «قوس قزح»؟

(۳) إن صدقتي إذا تكلمت معها عن مشاكلي تهتمّ بها!

پاسخ: گزینه‌ی «۲» در این گزینه کلمه‌ی «عند» ظرف مکان به معنای «نزد» است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: کلمه‌ی «عند» ظرف زمان است، زیرا وقتی «عند» به مصدر اضافه می‌شود، معمولاً ظرف زمان می‌شود.

گزینه‌ی «۳»: کلمه‌ی «إِذَا» ظرف زمان است گرچه کلمه‌ی «مع» ظرف مکان است.

گزینه‌ی «۴»: کلمه‌ی «متی» ظرف زمان است.

برخی از انواع تیپ‌های به‌کار رفته در کنکور از مبحث مفعول‌فیه:

۱- عین العبارة التي ما جاء فيها «المفعول فيه» منصوباً:

۲- فی أيّ عبارة جاء المفعول فيه المنصوب؟

۳- مَيّر الجواب الذي جاء فيه ظرف المكان:

۴- عین المفعول فيه:

۵- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

۶- عین العبارة التي تعین مكان وقوع الفعل:

۷- عین کلمة «X» ليست منصوبة:

۸- عین العبارة التي فيها اسم يدلّ على زمان وقوع الفعل:

- **حال:** اسمی است غالباً مشتق، نکره و منصوب که حالت و هیئت صاحب خود را در حین وقوع فعل بیان می‌کند و در جواب «چطور» و «چگونه» می‌آید:

❁ انواع حال

۱- مفرد: رَجَعَ الْجُنْدَى مُتَّصِرًا. / اشتریت الكتابَ رَخیصًا.

۲- جمله:

الف) فعلیه: شاهدتُ الطالبةَ كَتَبَتِ الدرسَ. / خَرَجَ المعلمُ وَقَدْ عَلَّمْنَا أَشْيَاءَ كَثِيرَةً. / رأيتُ الطفلَ يلعبُ في الساحة.

ب) اسمیه: دَخَلَ الطَّالِبُ وَهُم ضاحكون.

نکته‌ی مهم: «واو حالیه» در جمله‌ی اسمیه قبل از ضمیر و در جمله‌ی فعلیه قبل از فعل ماضی مثبت و مقرون به «قد» می‌آید.

صاحب حال: اسمی معرفه است که حال، هیئت آن را بیان می‌کند.

مثال: جاء علیٌّ و هو راكبٌ.

(سراسری تجربی - ۸۸)

کھ عین الـ «واو» الحالیة:

۲) قلت: و الله، ما عملت عملاً إلا لرضی الرحمن!

۱) راجعت دروسی و أنا أحفظ قسماً منها.

۴) وقفت فی الشارع و تأملت فی منظر جمیل!

۳) أسرع الطالب إلى البيت ماشياً و عاجلاً.

پاسخ: گزینه‌ی «۱» حرف «واو» در این گزینه «واو» حالیه است، زیرا نه «واو» عطف است و نه «واو» قسم.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: حرف «واو»، واو قسم است، زیرا معنی آن این است که «گفتم: قسم به خدا»

گزینه‌ی «۳»: حرف «واو»، حرف عطف است، زیرا کلمه‌ی «عاجلاً» را به «ماشياً» عطف کرده است.

گزینه‌ی «۴»: حرف «واو»، حرف عطف است، زیرا دو فعل ماضی را به هم دیگر عطف کرده است.

برخی از انواع تیپ‌های به‌کار رفته در کنکور از مبحث حال:

۱- ما هو الصَّحیح للفراغ لإيجاد أسلوب الحال؟

۲- ما هو الخطأ لإيجاد أسلوب الحال:

۳- أي كلمة لاتناسب الفراغ لأسلوب الحال؟

۴- ما هو نوع الحال فی الجملة التالية؟

۵- فی أي عبارة قد جاء الحال؟

۶- ما هي الحال المناسبة للفراغ؟

۷- أى عبارة يشتمل على الحال؟

۸- عيّن الـ «واو» الحالية:

۹- كم حالاً جاءت في العبارة التالية؟

۱۰- ميّز الجملة التي تتضمن «أسلوب الحال»:

۱۱- عيّن الصّحيح في الحال:

۱۲- أىّ العبارات جاء فيها الحال؟

۱۳- فى أى جملة الحال مفردة؟

۱۴- عيّن الصّحيح في تبديل الحال جملةً إلى الحال مفردةً:

۱۵- عيّن الجواب الذى يدلّ على كيفية «لا» (فاعل يا مفعولُ به):

۱۶- عيّن الخطأ في تبديل الحال المفردة إلى الجملة:

۱۷- عيّن ما ليس فيه الحال:

۱۸- عيّن ما يبيّن هيئة الفاعل:

۱۹- عيّن الجملة الحالية:

۲۰- عيّن الحال يبيّن حالة المفعول:

۲۱- عيّن الحال يختلف نوعها عن البقية:

– **تميّز:** اسمى است غالباً جامد، نكرة و منصوب كه از اسم يا عبارت پيش از خود رفع ابهام مى كند و دربردارندهى معنای

«من» بيانى است و در جواب «از چه لحاظ»، «از چه نظر» و «از چه چيز» مى آيد.

❁ انواع تميّز

تمييز مفرد: زمانی كه بعد از «بیمانه، وزن، مساحت و عدد» بيايد.

مثال: شربنا كوباً شايّاً. / باع البائع طناً حديدّاً. / فى مكتبتي عشرون كتاباً نحوياً.

۲- تمییز نسبت:

الف) اسم غالباً جامد، نکره و منصوب.

مثال: أحمد أكثر من مريم علماً.

ب) اسم منصوب بعد از اسم‌های تفضیل عموماً تمییز است.

مثال: هو أكبر مني سناً / و الله أشد من الأم حناناً.

ج) برخی افعال تمییز طلب هستند و بعد از آن‌ها همیشه تمییز می‌آید، مانند: «إزداد، يزداد، زد، امتلأ، مُلئ، يمتلئ، فاض، يفيض»

مثال: مُلئ قلبي إيماناً.

نکته‌ی مهم:

تمییز در اصل یکی از نقش‌های فاعل، مفعول و مبتدا را داشته است: طغى النهرُ ماءً. (طغى ماءً النهر.) / حصد الفلاح المزرعة قمحاً.

(حصد الفلاح قمح المزرعة.) / الكتاب اليوم أرخص ثمناً من الكراسة. (ثمن الكتاب اليوم أرخص من ثمن الكراسة.)

(آزاد ریاضی - ۸۵)

کھ عین الخطأ عن «أصل التمييز»:

۲) طابت الطالبة خُلُقاً = فاعل

۱) هی أكثر منی علماً = مبتداً

۴) وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ = مبتداً

۳) ازداد المؤمنُ صبراً = مفعول به

پاسخ: گزینه‌ی «۳» «ازداد» فعل لازم است و به مفعول به نیاز ندارد، بنابراین اصل تمییز در این عبارت فاعل است.

- فرق مال و تمییز

۱- حال غالباً مشتق و تمییز غالباً جامد است.

(سراسری انسانی - ۸۵)

کھ عین التمييز:

۲) یسهل انتخاب السؤال سهولة.

۱) رُجِّح هذا الكتاب سهولة.

۴) عسى الأمر أن يكون لنا سهلاً.

۳) انتخبت هذا الطريق سهلاً.

پاسخ: گزینه‌ی «۱» به ترجمه‌ی عبارت توجه کنید: «این کتاب از نظر آسان بودن ترجیح داده شد.» بنابراین «سهولة» ابهام جمله را برطرف می‌کند و تمییز است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: «سهولة» مفعول مطلق است. / گزینه‌ی «۳»: «سهلاً» مشتق و حال است. / گزینه‌ی «۴»: «سهلاً» خبر «کان» است.

۲- حال به صورت مفرد و جمله می‌آید و تمییز فقط به صورت مفرد.

۳- حال می‌تواند متعدد بیاید، ولی تمییز را فقط به صورت معطوف می‌توان آورد.

۴- حال می‌تواند بر ذوالحال مقدم شود، اما تمییز بر عامل خود مقدم نمی‌شود.

برخی از انواع تیپ‌های به‌کار رفته در کنکور از مبحث تمییز:

۱- عین التمییز:

۲- ما هو التمییز المناسب للفراغ؟

۳- میز الخطأ للفراغ لإيجاد أسلوب التمییز:

۴- عین الصّحیح فی أسلوب التمییز:

۵- عین الخطأ فی تعیین أصل التمییز:

۶- اجعل الفاعل فی الجملة التالية تميزاً:

۷- اجعل المفعول فی الجملة التالية تميزاً:

۸- میز العبارة التي جاء فيها التمییز:

۹- میز التمییز الذي لم يكن فاعلاً فی الأصل:

۱۰- فی أي عبارة جاء التمییز؟

۱۱- عین الصّحیح للفراغ لرفع الإبهام:

۱۲- عین العبارة التي ليس فيها إبهام:

۱۳- عین العبارة التي لا تحتاج إلى التمییز:

– استثناء: اسمی است که با یکی از ادوات استثناء از حکم ماقبل خود خارج می‌شود.

مثال: خَرَجَ الطَّلَابُ إِلَّا أَحْمَدَ.

اسمی که مستثنی از آن جدا شده (الطلاب) را «مستثنی‌منه» و اسم جدا شده (أحمد) را «مستثنی» گویند.

❁ انواع مستثنی

۱- تام: زمانی است که مستثنی‌منه در جمله ذکر شود. مستثنای تام همیشه منصوب است.

مثال: تَعَلَّمَ التَّلَامِيذُ الدَّرْسَ إِلَّا أَحَاكَ.

مستثنی‌منه مستثنای تام و منصوب

۲- مفرغ: زمانی است که مستثنی‌منه در جمله ذکر نشود، یعنی جمله‌ی قبل از «إِلَّا» ناقص باشد. مستثنای مفرغ فقط در جملات منفی و سؤالی می‌آید.

نکات مهم:

۱- مستثنای تام می‌تواند هم در جملات مثبت بیاید و هم در جملات منفی و سؤالی.

مثال: ماجاء أحدٌ إلَّا علیاً.

مستثنی‌منه مستثنای تام و منصوب

(سراسری ریاضی-۸۸)

کھ عین الاستثناء لیس مفرغاً:

۲) لا یسبع الآخیرین إلّا من لا یتکيء علی نفسه!

۱) لا یعلم کلّ ما فی صدور العالمین إلّا الله!

۴) لم تتوقّف لحظةً للعب مع الأطفال إلّا واحداً منّا!

۳) هل یدافع عن العدالة إلّا من یرف قیمتها؟!

پاسخ: گزینه‌ی «۴» وقتی عبارت پیش از «إِلَّا» کامل و تمام باشد آن استثناء را کامل یا غیر مفرغ تام می‌گویند. در گزینه‌ی «۴» عبارت پیش از «إِلَّا» کامل است (ما لحظه‌ای برای آن که با بچه‌ها بازی کنیم توقف نکردیم).

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: عبارت پیش از «إِلَّا» ناقص است و احتیاج به «فاعل» دارد پس «مفرغ» است.

گزینه‌ی «۲»: عبارت پیش از «إِلَّا» ناقص و ناتمام است و به «فاعل» نیازمند است (یعنی «مَن»)، پس «مفرغ» است.

گزینه‌ی «۳»: نیز عبارت پیش از «إِلَّا» مفرغ و ناقص است و احتیاج به «فاعل» (مَن) داد، پس «مفرغ» است.

۲- اعراب مستثنای مفرغ با نادیده گرفتن «إِلَّا» مشخص می‌شود، باید ببینیم در جمله‌ی قبل از «إِلَّا» چه نقشی کم است، در این صورت مستثنای مفرغ همان نقش را خواهد داشت.

مثال: ماجاء إلّا علیاً.

مستثنای مفرغ و مرفوع با اعراب فاعل محذوف

برخی از انواع تیپ‌های به‌کار رفته در کنکور از مبحث استثناء:

۱- ما هو الصّحیح عن إعراب المستثنی:

۲- املاً الفراغ بالمستثنی المناسب:

۳- میزّ الجواب الصّحیح لإيجاد «أسلوب الاستثناء»:

۴- عین المستثنی المفرغ:

۵- عین المستثنی و المستثنی منه فی العبارة التالیة:

۶- عین الخطأ فی إعراب المستثنی:

۷- عین العبارة التي حُذِفَ فيها المستثنى منه:

۸- عین ما فيه المستثنى منه:

۹- عین الاستثناء غير المفرغ:

۱۰- عین المستثنى منه محذوفاً:

۱۱- عین الخطأ في أسلوب الاستثناء:

۱۲- عین المستثنى مختلفاً في الإعراب:

- **مناداة:** اسمی است که پس از حرف ندا (یا) مورد خطاب قرار می‌گیرد.

مثال: یا علیُّ أنتَ رمزُ العَدالة.

❁ انواع منادا

۱- مفرد: یعنی منادا مضاف یا شبه مضاف نباشد.

الف) علم: اسم علم را مورد خطاب قرار می‌دهد و مبنی بر ضم است.

مثال: یا أحمدُ اجلس.

ب) نکره‌ی مقصوده: شخصی که متکلم در هنگام ندا او را نمی‌شناسد، ولی او را صدا می‌زند، لذا چون اسم مورد ندا بر فرد معینی دلالت دارد آن را معرفه می‌دانند و مبنی بر ضم است.

مثال: یا طالبُ اجتهد في دروسك. / یا رجلُ خذْ محفظتك.

نکته‌ی مهم: حرف ندا هیچ‌گاه بر سر اسمی که «ال» داشته باشد نمی‌آید، یعنی نمی‌توان گفت: «یا النبیُّ، یا الناسُ، یا النفسُ و...» بلکه برای مورد خطاب دادن اسم‌های دارای «ال» باید برای مذکر از «أیها» و برای مؤنث از «أیتها» استفاده کنیم که در این صورت «أی» و «أیة» منادای نکره‌ی مقصوده و مبنی بر ضم، «ها» حرف تنبیه و اسم پس از «ها» از لحاظ اعراب تابع «أی» یا «أیة» و دارای ضمه خواهد بود.

مثال: یا أیها المعلمُ الشفیق. / یا أیتها النفسُ المطمئنة.

۲- مضاف: زمانی است که منادا به اسمی اضافه شود، در این صورت منادا معرب و منصوب می‌باشد.

مثال: یا أبالفصل (ع) أغثنی. / یا مسلمی العالم اِتحدوا.

۳- شبه‌مضاف: زمانی است که صفت یک اسم نکره را مورد ندا قرار می‌دهیم، در این صورت منادا منصوب است.

مثال: یا رافعاً رایة النصر / یا بصیراً بالعباد أغثنا.

نکات مهم:

۱- گاهی در لفظ جلاله‌ی «الله» حرف ندا حذف می‌شود و به جای آن، میم مشدّد مفتوح (مّ) به آخر کلمه اضافه می‌شود.

یا الله ← اللهمّ: منادای مفرد و علم و مبنی بر ضمّ

(آزاد انسانی- ۸۱)

کجھ در کدام گزینه منادای علم است؟

(۱) إلهی مَنْ لی غیرک أسأله کشف ضریّ.

(۲) ربّی عاملنی بفضلک و لا تعاملنی بعدلک

(۳) اللهمّ اغفرلی الذنوب الّتی تهتک العصم.

(۴) قالوا یا أبانا استغفرلنا ذنوبنا

پاسخ: گزینه‌ی «۳» «اللهمّ» در اصل «یا الله» منادای علم، مبنی بر ضم و محلاً منصوب است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «إلهی» منادای مضاف به ضمیر «ی» و تقدیراً منصوب است.

گزینه‌ی «۲»: «ربّ» منادای مضاف به ضمیر «ی» و تقدیراً منصوب است.

گزینه‌ی «۴»: «أبا» منادای مضاف و منصوب به «الف» است.

۲- در منادای مضاف به ضمیر متکلمّ وحده، منادا حرکت کسره می‌گیرد و تقدیراً منصوب است و به دلیل اضافه شدن ضمیر،

معرفه است: یا اُمّی ← یا اُمّ

(سراسری تجربی- ۸۸)

کجھ عین الخطأ فی النداء:

(۱) ربّ؛ اجعل الحقّ علی لسانی!

(۲) یا مخطیء؛ إلی متی ارتکاب الخطیئة؟!

(۳) مریم؛ لاخیر فی مجالسة الأحمق!

(۴) أیها الأصدقاء الأوفیاء؛ لاتترکونی!

پاسخ: گزینه‌ی «۲» در این گزینه منادا از نوع منادای مفرد (نکره‌ی مقصوده است) و باید مبنی بر ضمه باشد که نیست.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: منادا از نوع مضاف است که مضاف‌الیه آن حذف شده است (یا ربّی).

گزینه‌ی «۳»: منادا از نوع مفرد (علم) است که مبنی بر ضمه است.

گزینه‌ی «۴»: منادا از نوع منادای نکره‌ی مقصوده (أی) است که مبنی بر ضمه می‌باشد.

۳- گاهی حرف ندا از اول منادا حذف می‌شود که در این صورت باید دقت کنیم که منادا با مبتدا اشتباه نشود، بهترین راه برای

این مسأله ترجمه است، اما به‌عنوان یک راه کمکی می‌توان گفت که اگر ضمیری بعد از اسم اول جمله بیاید که صیغه‌ی غایب

باشد و به اسم اول جمله رجوع کند، اسم اول جمله مبتداست. البته اگر خبر به‌صورت مفرد در جمله وجود داشته باشد، تشخیص

این که اسم اول جمله مبتداست آسان‌تر خواهد بود، در غیر این صورت آن اسم، منادا می‌باشد:

مثال: ربّنا یغفر لنا خطایانا. / ربّنا اغفر لنا ذنوبنا.

مبتدا و مرفوع منادا و منصوب

کھ عین العبارة التي حُذفت فيها أداة النداء:

- (۱) صادق الوعد إعمل بوعدك.
(۲) رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي صُدُورِكُمْ.
(۳) رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى.
(۴) آل بيت رسول الله محبوبون عند جميع المسلمين!

پاسخ: گزینه‌ی «۱» با توجه به این که فعل «إَعْمَلْ» فعل امر است، «صَادِقٌ» مناداست، بنابراین حرف نداء «یا» حذف شده است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: «رَبُّكُمْ» مبتدا و «أَعْلَمُ» خبر است. / گزینه‌ی «۳»: «رَبُّ» مبتدا و «الَّذِي» خبر است. / گزینه‌ی «۴»: «آل» مبتدا و «محبوبون» خبر است.

برخی از انواع تیپ‌های به‌کار رفته در کنکور از مبحث منادا:

۱- ما هو المنادى فى العبارة التالية؟

۲- ما هو نوع المنادى فى العبارة التالية و إعرابه؟

۳- ميّز أسلوب النداء فى العبارات التالية:

۴- ما هو الصّحيح عن المنادى؟

۵- أىّ عبارة يشتمل على المنادى المضاف؟

۶- فى أىّ عبارة ما جاء المنادى المضاف؟

۷- عيّن ما ليس منادى:

۸- فى أىّ عبارة ما جاء المنادى العلم؟

۹- اجعل فى الفراغ كلمة مناسبة لإيجاد أسلوب النداء:

۱۰- ميّز الجملة التي ما جاء فيها المنادى:

۱۱- عيّن العبارة التي حُذفت فيها أداة النداء:

۱۲- عيّن المنادى المضاف:

۱۳- عيّن الخطأ فى إعراب المنادى:

۱۴- عيّن الخطأ وفق أسلوب النداء:

۱۵- ميّز أسلوب النداء الذي يختلف مع الآخرين:

۱۶- عيّن كلمة «X» مبنية على الضم: